



صدای زنگ شترها را که شنید، دلش تپید!
روزها منتظر بود تا کاروانی از مدینه به سوی خراسان حرکت کند.
تصمیم داشت با کاروان هم‌سفر شود و به دیدار بهترین دوست خود در خراسان برود.
به سرعت دفتر شعر و وسایل سفرش را برداشت و خود را به کاروان رساند.
در مسیر کاروان، نگاهش به کوچه‌های پر از جمعیت افتاد.
روزهایی را به خاطر آورد که در مسجدها، کلاس‌های آموزش قرآن برپا می‌شد.
مردمی که تشنه‌ی دانش بودند، درس‌ها را یاد می‌گرفتند؛ می‌نوشتند و می‌رفتند
تا آنها را به دیگران یاد دهند، اما با رفتن او، مسجدهای شهر خالی و خلوت شدند.
غمگین شد و آهی کشید. نگاهی به آسمان کرد و شعری را که به تازگی سروده
بود، زیر لب زمزمه کرد.

چند ماه بعد کاروان به خراسان رسید.



شوق زیارت امام، وجود دِعْبِل* را پر کرده بود.

آفتاب به شدت می‌تابید. بسیار خسته بود و عرق از سر و رویش می‌ریخت اما با اشتیاق فراوان کوچه‌های شهر را پشت سر می‌گذاشت. انگار پرنده‌ی کوچکی در گوشه‌ی قلبش بال و پر می‌زد. دعبل از در وارد شد و سلام کرد.

امام با شوق فراوان پاسخ سلامش را داد و به احترام او از جا برخاست. دعبل از خوشحالی نمی‌دانست چه بگوید؛ به سوی امام دوید و در آغوش او آرام گرفت. در آن لحظه، تمام خستگی راه را فراموش کرد و به چهره‌ی زیبای امام خیره شد؛ حرف‌های زیادی با امامش داشت.

مأمون، حاکم عتّاسی، امام رضا - علیه السّلام - را به اجبار از زادگاهش مدینه به خراسان آورده بود تا در آنجا کارهایش را زیر نظر بگیرد و امام نتواند مردم را به راه درست هدایت کند.

بعد از مدّتی، دعبل با اشتیاق فراوان گفت: «برایتان هدیه‌ای آورده‌ام. اجازه می‌دهید تقدیم کنم؟» امام اجازه داد.

و این شعر را به زبان عربی خواند:

| | |
|-------------------|----------------------|
| آه رفت از یادها | درس قرآن، درس دین |
| داد از بیدادها | کو معلّم‌های آن؟ |
| خانه‌ی مردان دین؟ | پس چه شد آن خانه‌ها؟ |
| مثل گل‌ها در زمین | صاحبانش زیر خاک |
| دست طوفان یک طرف | هر گلی از باغشان |
| لاله‌ای هم در نجف | لاله‌ای در کربلا |

* یکی از شاعران مشهوری است که در زمان امام رضا - علیه السّلام - زندگی می‌کرده و شعرهای زیادی درباره‌ی امامان سروده است. آرامگاه او در استان خوزستان، شهر شوش قرار دارد.

دعبل با شور و هیجان شعر خود را به پایان رساند.
 امام رضا لبخند زد و گفت: «آیا دوست داری دو بیت به شعرت اضافه کنم؟»
 دعبل با خوشحالی گفت: «بله».
 امام رضا - علیه السلام - ادامه داد:

مرقدی^۱ در شهر توس^۲ یک مزار جاودان
 تا رسد وقت ظهور مهدی صاحب زمان



۱ - مرقد: حرم و محلّ دفن
 ۲ - توس: نام قدیم شهر مشهد

دعبل با تعجب پرسید: «مرقدی که در شهر توس است، مال کیست؟»
امام رضا - علیه السلام - پاسخ داد: «مرقد من است. به زودی شهر توس زیارتگاه
دوستان و شیعیان من خواهد شد.»

کامل کنید

واژه‌های مناسب را در گلبرگ‌ها بنویسید.

معصومه، مشهد، امام کاظم، هشتم، شاه‌چراغ، امام جواد، مدینه



ایستگاه فکر

نقطه چین‌ها را به هم وصل کنید تا مسیر حرکت امام رضا - علیه السلام - از مدینه تا خراسان آشکار شود.



اگر در آن زمان در یکی از شهرهای مسیر حرکت امام رضا - علیه السلام - زندگی می‌کردی، چه احساسی داشتی و چه می‌کردی؟ وقتی برای اولین بار امام را از نزدیک می‌دیدى به او چه می‌گفتی؟ حرف‌هایت را در چند جمله بنویس.

با اشتیاق و تواضع خود را به مسیر حرکت امام می‌رساندم و از دور غرق تماشای ایشان می‌شدم. سپس نزدیک می‌شدم و از ایشان می‌خواستم به من نصیحتی بکنند که باعث خوشبختی من در دنیا و آخرت شود و تا پایان عمرم خاطره‌ی ملاقات با ایشان را فراموش نمی‌کردم.

گام به گام هدیه‌ها صفحه به صفحه طراح: سمیرا ابوالقاسمی

بگرد و پیدا کن

پاسخ‌ها را در جدول پیدا کنید و دور آنها خط بکشید. با حروف باقی‌مانده، جمله‌ی امام کامل می‌شود:

- ۱- هشتمین امام مسلمانان را به این نام می‌شناسیم.
- ۲- دشمن برای اینکه امام رئوف* را از مردم دور کند، او را از این شهر به خراسان آورد.
- ۳- دشمن امام رضا - علیه‌السلام - که او را به ایران آورد و به شهادت رساند.
- ۴- حرم امام رضا - علیه‌السلام - در این شهر قرار دارد.
- ۵- امام اول که همنام سه تن دیگر از امامان بزرگوار است.
- ۶- کشوری که مرقد امام هشتم در آن قرار دارد.
- ۷- رفتن به مرقد امامان و ادای احترام به ایشان.
- ۸- به مرقد و محل دفن امامان گفته می‌شود.
- ۹- مرقد خواهر امام رضا - علیه‌السلام - در این شهر قرار دارد.

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ر | ن | ا | د | ح | ل | ی |
| ر | ب | ه | م | ش | م | د |
| ز | ی | ا | ر | ت | ش | ت |
| ه | م | ا | ی | ر | ا | ی |
| م | د | ی | ن | م | ن | ش |
| ی | ن | م | ا | م | و | ی |
| ح | ر | م | م | ن | ق | م |

امام رضا - علیه‌السلام - فرمود:

«هر کس به زیارت من بیاید (و نیکوکار باشد) در بهشت.....»

هم‌نشین من است.»

*رئوف: مهربان؛ یکی از لقب‌های امام رضا - علیه‌السلام - است.

دعا کنیم

یا علیّ بن موسی الرضا!
ای کسی که از بندگان خوب خدا
هستی؛ از تو می‌خواهم
برایم دعا کنی که ...

شکرگزار نعمت‌های
خداوند باشم

همیشه در راه راست
قدم بردارم

در تمام کارهایم با توکل
بر خدا موفق باشم

بتوانم به درجات بالای
علمی برسیم

گام به گام هدیه‌ها صفحه به صفحه طراح: سمیرا ابوالقاسمی

ایستگاه خلاقیت

پس از شنیدن داستان «نماز باران»* آن را نقاشی کنید.

گام به گام هدیه‌ها صفحه به صفحه طراح: سمیرا ابوالقاسمی

* داستان «نماز باران» در راهنمای معلم آمده است.